

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه مزمل

استاد ضرابی

جلسه اول ۱۴۰۲/۲/۱۰

آیه شریفه : «بسم الله الرحمن الرحيم- قسمت اول»

عنوان: لذت مناجات با محبوب و نوشیدن شراب وصل!

امام صادق (ع) فرمود که حضرت رسول (ص) وقتی از تکبیر و افتتاح (معراج نماز) فارغ شد خداوند عزوجل فرمود: «الآن وَصَلْتُ إِلَيَّ فَسَمِّ بِاسْمِي. فَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمُ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ-الآن به من رسیدی پس اسم مرا یاد کن» حضرت (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و به همین خاطر در اول هر سوره، گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مشروع گردید. (بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۴۱)

به جهت این حدیث شریف امام صادق علیه السلام فرمود: چون تکبیر گفتی، کوچک شمار در محضر کبریای آن ذات مقدس از عرش تا فرش را ... - اِذَا كَبَّرْتَ، فَاسْتَصْغُرْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَ النَّبِيِّ كِبْرِيَاءَهُ... (مستدرک الوسائل، باب ۲، حدیث ۹)

مستفاد از این احادیث، عظمت و بزرگی جایگاه درک اسم حضرت حق جلّ شأنه در «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است که با پیمودن و عبور از حجاب های گوناگون، رسیدن به آن ممکن می شود؛ اجمالاً اکنون برای آن که ارتباط نماز که عروج در مراتب وجود است (در تکبیرات افتتاحیه به آن اشاره شد) و قرآن نیز که برای قاری آن ارتقاء منازل و مقامات است، توضیح داده شود، یادآور می شویم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَقَالُ لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ: اقْرَأْ وَ ارْقُ وَ رَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي دَارِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ كُنْتَ تَقْرُؤُهَا - به کسی که قرآن می داند، گفته می شود: بخوان و بالا رو و با ترتیل بخوان، همچنان که در دنیا با ترتیل می خواندی؛ زیرا منزلت و جایگاه تو در آخرین آیه ای است که می خوانده ای.» (کنز العمال : ۲۳۳۰)

در معارف عرفانی، از پنج مرتبه عوالم وجود یعنی عالم ماده، مثال، عقول، عالم ربوبی و مرتبه جامعه (یا انسان) با عنوان حضرات خمس نام برده می شود؛ (قنوی، صدر الدین، اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن، ص ۱۰) امام خمینی قدس سره در فصل دوم کتاب آداب الصلاة، درباره این مقامات می فرماید: «ای عزیز، این که قلوب بیچاره ما از حلاوت ذکر حق تعالی محروم است و لذت مناجات آن ذات مقدس در ذائقه روح ما وارد نشده و از وصول به قرب درگاه محتجب و از تجلیات جمال و جلال محرومیم، برای آن است که قلوب ما معلّل و مریض است و توجّه به دنیا و اخلاص به ارض و احتجاب به حجب مظلّمه طبیعت ما را از معرفت کبریای حق و انوار جمال و جلال محجوب نموده. تا نظر ما به موجودات نظر ابلیسی استقلالی است، از شراب وصل نخواهیم چشید و به لذت مناجات نائل نخواهیم شد. تا در عالم وجود عزّت و کبریا و عظمت و جلال برای کسی می بینیم و در حجاب بتهای تعینات خلقیه هستیم، سلطان کبریای حقّ جلّ جلاله در قلب ما تجلّی نکند. پس، از آداب تکبیر آن است که سالک واقف در صورت آن نشود و به لفظ تنها و لقلقه لسان اکتفا نکند؛ بلکه در اول امر، به قوّت برهان و نور علوم الهیه قلب را از کبریای حقّ و قصر عظمت و جلال به ذات مقدّس جلّت عظمت و به فقر و ذلّت و مسکنت کافه سکنه

امکانی و قاطبه موجودات جسمانی و روحانی با خبر کند؛ و پس از آن، به قوت ریاضت و کثرت مراودت و انس تام قلب را زنده به این لطیفه الهیه نماید و سعادت و حیات عقلی روحانی بخشد. و چون فقر و ذلت ممکن و عظمت و کبریای حق جلّت قدرته نصب العین سالک شد و تفکر و تذکر به حد نصاب رسید و قلب را انس و سکونت حاصل شد، در همه موجودات آثار کبریا و جلال حق را به عین بصیرت مشاهده کند و علل و امراض قلبیه علاج شود؛ پس، لذت مناجات و حلاوت ذکر الله را دریابد و قلب مقر سلطان کبریای حق جلّ جلاله شود، و در ظاهر و باطن مملکت آثار کبریا ظاهر گردد و قلب و لسان و سر و عین با هم موافق شوند؛ پس، تمام قوای باطن و ظاهر و ملک و ملکوت تکبیر گویند و یکی از حجب غلیظه مرتفع شود، و يك مرحله به حقیقت نماز که معراج قرب است نزدیک شود.» (آداب الصلاة، ص ۱۲۷-۱۲۸)

سرنهم بر قدمش بوسه زنان تا دم مرگ
مست تا صبح قیامت ز سبویش باشم
رسد آن روز که در منزل رندان سر مست
راز دار همه اسرار مگویش باشم

سوره مبارکه مزمل که با آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ-ای جامه به خویشتن پیچیده» آغاز گردیده، در ورای معنای ظاهری خود حکایت مردمان پیچیده به حجابی را بازگو می‌کند که بعضی از آنها در پشت ججب متراکم ظلمانی مانده‌اند و بعضی از شدت تقرّب به ساحت قدس الهی همچون رسول خدا (ص) جز حجاب‌های رقیقی از نور (که مافوق ادراک بشر عادی است)، بین خود و خدایشان حجابی ندارند که آن هم با تکبیرات نماز، کنار رفته، به خطاب «الآن وَصَلْتَ إِلَيَّ فَسَمِّ بِاسْمِي» نایل می‌شود. آخرین آیه این سوره شریفه که تفصیل آیه ماقبل خود «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» است و با محتوای اولین آیه مطابقت دارد، چگونگی پیمودن سبیل ربّ را تا وصول به بارگاه قرب محبوب نشان می‌دهد که در بندگی و عبودیت حضرت حق و اطاعت دستورات او، به ویژه معراج نماز حاصل می‌شود «إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلَاثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلَاثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ...» در حقیقت پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تواند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا يك سوم آن را [به نماز] برمی‌خیزید» روایت شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر خدیجه (سلام الله علیها) وارد شد. فرمود: «مرا در جامه‌ای ببوشان». در این حالت بود که جبرئیل (علیه السلام) او را ندا داد: «يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ. فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصَ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» به یاری خدا در شرح آیات این سوره به بیان نکات آن خواهیم پرداخت.

میان عاشق و معشوق فرق بسیارست
چو یار ناز نماید شما نیاز کنید
نخست موعظه پیر صحبت این حرفست
که از مصاحب ناجنس احتراز کنید

صلی الله علی محمد و آله